



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس مورخه سه شنبه بیست و پنجم مرداد ۱۳۰۵ مطابق هشتم صفر ۱۳۴۵

جلسه ۵

غائبین بدون اجازه - آقایان: اسکندر خان مقدم - میرزا
ابراهیم خان قوام - شریعت زاده - آقا زاده سبزواری - حاج میرزا
حیب اله امین - محمد ولی خان اسدی - محمد هاشم میرزا افسر -

مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر به ریاست آقای
طباطبائی دیبا نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز شنبه
بیست و دوم مرداد ماه قرائت و تصویب شد.

میرممتاز.

دیرآمدگان بدون اجازه — آقایان: میرزا حسینخان مقرر —

میرزا نصرت‌اله بیات.

بطوریکه قبلاً در دستور معین شده بود انتخاب هیئت‌رئیس‌ه شروع و بدواً برای استخراج آراء آقایان: شیخ‌علی‌دشتی—آقاحسین آقایان — و مرتضی قلیخان بیات به حکم قرعه تعیین پس از آن برای انتخاب رئیس اخذ و استخراج آراء به‌عمل آمده آقای تدین به‌اکثریت ۵۵ رأی از ۷۸ نفر نمایندگان حاضر به‌ریاست مجلس شورای ملی انتخاب گردیدند.

در این وقت جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصلهٔ یکساعت و نیم مجدداً به ریاست آقای تدین تشکیل و پیشنهادی از طرف آقایان طاهری — داور — حاج‌آقارضا رفیع و جمعی از آقایان نمایندگان قرائت شد مشعربه‌اینکه انتخاب بقیهٔ‌اعضاء هیئت‌رئیس‌ه به جلسهٔ بعد موکول و بقیهٔ اعتبار نامه‌ها مطرح شود و نسبت به این پیشنهاد اخذ رأی شده تصویب گردید.

خبر شعبهٔ دوم راجع به نمایندگی آقای میرزا عبدالله‌خان وثوق ازدرجرتوابع قرائت و درآن‌خصوص رأی‌گرفته تصویب‌شد. خبر شعبهٔ سوم راجع به نمایندگی آقای فرهمند از همدان مطرح و آقای مدرس شرحی مشعر به مخالفت با جریان انتخابات تقریر و اظهار مینمودندعلت نمایندگی ایشان از همدان نفوذ و قوهٔ نظامیان محلی بوده است . آقای شیروانی مخبرشعبه اظهار نمودند جریان انتخابات همدان را مجلس شورای ملی در ضمن تصویب راپورت نمایندئهٔ دیگر همدان تصدیق نموده و نظامیان نیز در انتخابات دخالتی نداشته و علت انتخاب ایشان فقط معروفیت و

زحمات خود ایشان بوده است.

آقای بهار پیشنهاد نمودند کمیسیون خاصی برای تحقیقات نمایندگی آقای فرهمند از همدان تشکیل شود تا نمایندگان پس‌از سراجعه بدوسیه رأی بدهند.

نسبت به این پیشنهاد مذاکره و اخذ رأی به‌عمل آمده‌رد و به نمایندگی آقای فرهمند رأی گرفته تصویب شد .

راپورت شعبه‌اول‌راجع به نمایندگی آقای آشتیانی ازطهران مطرح و آقای آقامید یعقوب شرحی مشعر به مخالفت با عملیات انجمن نظار اخیر تقریر و اظهار مینمودند انحلال انجمن اولی و تشکیل انجمن ثانی درتحت این‌عنوان‌که درحین تشکیل انجمن حکومت نظامی وجود داشته برخلاف قانون بوده و پس از صدور فرمان انتخابات حکومت‌نظامی در تمام نقاط ملغی گردیده است.

آقای‌داورشرحی مشعر به‌موافقت تقریر و نسبت به نمایندگی آقای آشتیانی رأی گرفته تصویب گردید. ایضاً چهار فقره خبر از شعبهٔ اول راجع به نمایندگی آقایان: مدرس — فیروزآبادی —میرزا نصرت‌الله بیات و آقا میرزا حسینخان پیرنیا از طهران قرائت و چون مخالفی نبود نسبت به هریک جداگانه اخذ رأی شده تصویب گردید.

جداهٔ آتی‌ه روز پنجشنبه بیست و هفتم مردادماه چهار ساعت قبل از ظهر و دستور آن انتخاب بقیهٔ اعضای هیئت رئیس‌ه مقرر و مجلس سه ربع ساعت بعدازظهر ختم شد.

صورت مجلس در جلسهٔ ششم ۲۷ مردادماه تصویب شد.

رئیس مجلس شورای ملی — سیدمحمد تدین

منشی سیدابراهیم ضیاء ، منشی امیرتیمورکلای

صورت مجلس یوم سه‌شنبه ۲۵ مردادماه ۱۳۰۵ مطابق هشتم صفر ۱۳۴۵

مهرهٔ تقنینیه ۷۸ . اوراق رأی ۷۸ .

آقای تدین ۵۵ رأی . آقامیرزا حسینخان پیرنیا ۲ رأی .

ورقه سفید علامت امتناع ۳ .

نایب‌رئیس — عدهٔحاضر ۷۸نفر است آقای‌تدین به‌اکثریت ۵۴ رأی ...

جمعی از نمایندگان — پنجاه و پنج رأی است.

نایب رئیس — آقای تدین به‌اکثریت ۵۵ رأی به‌ریاست مجلس شورای ملی انتخاب شدند شروع میشود به انتخاب‌یک‌نفر نایب رئیس...

جمعی از نمایندگان — تنفس.

نایب رئیس — چند دقیقه تنفس میشود.

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از یکساعت‌و نیم مجدداً به ریاست آقای تدین تشکیل گردید)

رئیس — پیشنهاداتی راجع به دستور رسیده است قرائت میشود.

(به شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد سیناُمیم انتخاب هیئت رئیس‌ه به جلسهٔ بعدموکول

واعتبارنامه‌ها مطرح شود. طاهری — سلک‌ایرج — محمدابراهیم — اهری — آقای حاج‌علی‌اکبر.

رئیس — داور و رفعت هم همین پیشنهاد را کرده‌اند.مخالفی ندارد؟ (گفته شد، خیر)

رئیس — رأی گرفته میشود به این پیشنهاد. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد خبر شعبه دوم راجع به نمایندگی آقامیرزا عبدالله‌خان وثوق از درجز و توابع مطرح است.

(آقای آقا ضیاء احضاروخبرفوق را به‌شرح‌ذیل قرائت‌نمودند)
انتخاب حوزهٔ درجز در تاریخ ۱۱ اسفندماه/۱۳۰۴ شروع حکومت مجلس به موجب مادهٔ ۱۴ قانون انتخابات از طبقات شش گانه و معتمدین محل دعوت اعضای اصلی و علی‌البدل‌انجمن نظارت انتخابات درجز انتخاب و بلافاصله هیئت رئیس‌ه انتخاب شده است بعد از ترتیب حوزه‌های فرعیه اعلان انتخابات منتشر مجموع آراء مأخوذه (۱۰۸۸۹) و در نتیجه قرائت و استخراج‌آراء با رعایت مراتب قانونی آقای میرزا عبدالله‌خان وثوق(معتمدالسلطنه سابق) به اکثریت (۸۲۷۱) رأی به نمایندگی دورهٔ ششم تقنینیه انتخاب گردیده‌اند.

شعبهٔ دوم بعد از رسیدگی به‌صورت مجلس و مدارک‌وجریان اسر صحت انتخابات حوزهٔ‌درجز و نمایندگی آقای آقامیرزا عبدالله‌خان وثوق (معتمدالسلطنه) سابق را تصدیق و خبر آن را تقدیم مجلس شورای ملی مینماید.

رئیس — رأی گرفته میشود به نمایندگی آقای آقامیرزا عبدالله‌خان وثوق از درجز و توابع آقایانیکه تصویب می‌کنند قیام فرمایند

(اکثر برخاستند)

رئیس — تصویب شد. خبر شعبهٔ سوم راجع به نمایندگی

آقای فرهمند از همدان مطرح است. آقای مدرس، (اجازه)

مدرس — جهل در بعضی مواقع نافع است و علم در بعضی جاها مضر است. از جملهٔ مصداقش این انتخاب است در همدان که انتخابات شروع شد یک نزاع طرفینی در آنجا درمیان دستجات محلی شروع شد اگرچه دوسیهٔ این‌مسئله درشعبهٔ ما نبودولی آقایان اعضای شعبه که دوسیه در آنجا بود خیلی خصوصیات را دیده‌اندو من هم چون محل ابتلاء بوده‌ام کاغذ می‌آمد آدم می‌آمد در این خصوص اطلاعاتی پیدا کردم لکن آقایان اعضای شعبه دوسیه را کاملاً ملاحظه کرده‌اند. بنده هم معاومات خودم را در این مدتی که انتخابات در همدان جریان داشته اینطور فهمیدم که دودسته یک دسته آقای ضیاء الملک با رفقای خودشان ویک دسته آقای حاج سید عبدالوهاب با رفقای خودشان شروع کردند و بالاخره چون نظر مخالفتی با آقای حاج سیدعبدالوهاب پیدا شد نتیجه این شد که نظامیهای همدان یک کاندیدی درست کردند و آقای ضیاء الملک با آنهاائتلاف نمودند ودرنتیجه این ائتلاف آقای ضیاء‌الملک و این مؤمن را که بنده نمی‌شناسم وکیل شدند. در انتخاب آقای

ضیاءالملک بنده مخالفتی نکردم برای اینکه اهل ولایت بودند و البته بستگان دارند در دورهٔ پیش هم وکیل بوده‌اند ولی با آن یک نفر وکیل دیگر مخالفم. بواسطهٔ اینکه کاندید نظامی‌ها بودند و به قوهٔ نظامی‌ها انتخاب شده‌اند لذا جداً با وکالت ایشان

مخالفم ولی راجع به جریان و سیر اسر و غیره البته آقایان اعضاء شعبه که دوسیه را مراجعه کرده‌اند منتقل‌شده‌اند. شیروانی‌مخبر — با اینکه نظر به ارادتی که خدمت آقا دارم میل نداشتم بنده‌مخبر این شعبه باشم ولی حیرادت اینطور پیش آورده است که بنده‌باید در مقابل آقا دفاع کنم در اینجا تجدیدی از منافع جهل در یک موافقی فرمودند مناسبتش را نفهیمدم به این دوسیه چیست؟ البته خود آقا تصدیق میفرمایند که انتخابات در این مملکت درهسه‌جا تقریباً در دست اشخاص نافذ و قوی هر محل است قانونی هم در مملکت ما هنوز وضع نشده که اینها محروم باشند و این متنفذین در هرجائی ممکن است قوای خریدشان را روی هم بریزند و در مسأله انتخابات ائتلاف کنند وانتخابات راست پیش برود ودراین‌جور مواقع دیده شده که سروصدائی هم بلند نشده است وشکایاتی هم نبوده است نظیرش هم همین انتخابات همدان است که دورهٔ‌گذشته متنفذین همانجا با هم ساختند هیچ شکایتی هم نرسید و بطوریکه شنیدم فقط یک تلگرافی این وسطها که یکی دو نفر میخواستند اظهار حیاتی بکنند، مخایره نمودند. و دعوائی هم نشد ولی دراین دوره متأسفانه یا خوشبختانه (هرکدام حساب بفرمائید) ممکن‌نشد یک عده مردم بیچاره هم در زحمت افتادند والا اگر اینها از اول مثل ادوار پیش با هم ساخته بودند اختلاف نظری پیدا نمیشد و این مسأله در اغلب نقاط هم هست که متنفذین نمی‌توانند با هم بسازند و بیخراهند از هم جای بیفتند این است که این اشکالات فراهم میشود و اینجا هم اگر این آقایان با هم میساختند (و به عقیدهٔ بنده کار بدی هم نکرده بودند) این اشکالات پیدا نمی‌شد. ایشان خواسته‌اند با هم طبقه‌های خودشان ائتلاف کرده باشند و شاید خوششان نیامده است که با طبقات دیگری ائتلاف کرده باشند و ایشان اگرچه یکی از افراد طبقهٔ اشراف هستند ولی چون سابقه آزادی‌خواهی دارند یکی از افراد دیگر را آورده‌اند و آراء خریدشان را به‌ایشان داده‌اند و ما معتقدیم که کار خیلی خوبی کرده‌اند زیرا طبقات دیگر را هم نباید عصبانی کرده و بر علیه خودشان برانگیزانند خواسته‌اند همه طبقات محل را راضی نگاه داشته باشند و اما اینکه میفرمایند نظامی دخالت کرده است‌ممکن بود این ایراد را به کاندید دیگر هم بفرمایند برای اینکه این ایراد به‌جریانست و وقتی که فرمودند من جریان را اهمیت نمیدهم ولی اگر نظامی دخالت کرده‌من اهمیت میدهم بنده در دوسیه حتی از طرف شاکمی‌ها هم چیزی ندیدم که نظامی‌ها دخالت کرده باشند فقط شکایت راجع به این بود که نفوذ آقای ضیاء‌الملک صرف یک فقره کاندیداهای دیگر هم شده مثل اینکه آقای داور هم فرمودند که در خراسان نفوذ یک عده از اشخاص متنفذ محلی صرف‌یک‌عده اشخاص دیگر هم شده و این یک چیزی نیست که لطمهٔ به‌جائی وارد بیاورد. بنده وقتی به‌یک کسی عقیده داشته باشم و یک‌آرائی

هم داشته باشم و به او بدهم سکنه به جائی وارد نمی‌آورد به علاوه وقتی که دو سه نفر وکیل در یکجائی انتخاب میشوند و به نمایندگی یک عده مردم از آنها رأی داده میشود معلوم میشود که در جریان خدشه نبوده و فقط صلاحیت شخص باقی میماند و من تصور نمیکنم در صلاحیت آقای فرهنگ هم ایشان یا کس دیگری تردیدی داشته باشند زیرا ایشان یکی از اشخاص خوش سابقه و از اشخاصی هستند که اهالی محل را همیشه از خودشان راضی نگاه داشته‌اند و هشت سال متوالی در آنجا مأمور بودند و مردم را با خودشان همراه کردند در دوره گذشته هم قریب سه هزار رأی داشتند و در درجه سوم و چهارم واقع شدند و در این دوره یک عده همراهی کردند و سعی کردند و ایشان را وکیل نمودند و این ترتیب هم مخصوصاً به نظر خود آقای مدرس کار ناشروعی نیست با این حال تصور میکنم که اعتراض‌ها در اینجا مورد نداشته باشد.

بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است.

رئیس -- کافی است ؟

جمعی از نمایندگان -- بلی .

رئیس -- پیشنهاد آقای بهار قرائت میشود .

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم کمیسیون خاص برای تحقیقات انتخاب آقای فرهنگ از همدان تشکیل شود که آقایان نمایندگان بعد در مراجعه بدوسیه رأی بدهند.

بهار -- فرمایشاتی که آقای مدرس فرمودند خیلی کلی بود البته ایشان وظیفه‌شان این است اصولی را که در نظر دارند همیشه روی کلیات آن صحبت کنند و مدافعاتی که منجربمستخرج فرمودند بعقیده بنده مناسبت با آن دوسیه که قرائت فرموده‌اند نداشت. بعقیده بنده مذاکرات منجربمستخرج مربوط باصول مسائل بود و مقصود از این پیشنهادی که بنده کردم این بود که با آقایان نمایندگان محترم خاطر نشان کنم که دوسیه انتخابات همدان هیچ شبیه بسایر دوسیه‌هایی که سابقاً خوانده‌اند و دیده‌اند و شنیده‌اند نیست. دوسیه‌ای است که سابقاً هم بنده از جزئیات آن اطلاع داشته‌ام و صبح هم مخصوصاً رفتم و آن را دیدم . دوسیه اینست که قریب هزار ورقه شکایات باسضاء اشخاص معروف از علماء محل و اعضاء انجمن نظار اصلی و نظار علی‌البدل و از اشخاص معروف دهات و کدخداهای و رعایا و بالاخره از هیئت‌ها و اتحادیه‌تجار سبزی برمداخله نظامیان و اعمال نفوذ برای انتخاب وکیل آنجا است بعقیده بنده مجلس محترم شورای ملی هر چند هم مصعب باشد و تصمیم گرفته باشد که اعتبارات آنها زودتر بگذرد و معذرت برای حفظ آن ظاهری که بالاخره هر هیئت اجتماعی و هر انجمنی باید معتقد بان ظواهر باشد خوب است بکندری اجازه بدهند که در مسائل مطالعه شود . بنده شخصاً با آقای فرهنگ ارادت دارم و ایشان را ده سال است می‌شناسم و خوب آدمی هستند ولی خوب بودن شخص دلیل نمیشود باینکه قضاوت‌ها ناقص شود بلی ایشان خیلی خوب هستند و خیلی هم صالح هستند ولی باید این اصل را از مملکت دور کرد و یا لاقلاً در این اصل بیشتر دقت کرد که یک صاحب‌منصب محلی یا یک صاحب منصب نظامی در

هرجائی حق نداشته باشد یک حقوقی که ملت ایران دارد و این تنها حقوقی است که از آزادی و بشروطیت بدست آمده در این هم دخالت کند این برای مجلس خوب نیست. بنده یک قسمت کمی از شکایات راجعه بهمندان را اینجا حاضر کرده بودم که اگر موقع شد بخوانم ولی موقع نشد لهذا برای رسیدگی باین دوسیه و برای اینکه نمایندگان محترم تلگراف‌هایی که از هیئت علمیه و غیره رسیده است مطالعه فرمایند و تلگراف‌هایی که از هیئت نظار انجمنهای فرعی داخلی رسیده است آنها را ببینند و لاقلاً متأثر شوند که در موقع تجدید نظر در قانون انتخابات با ما بیشتر همراه باشند. به این جهت پیشنهاد کردم که اجازه بدهند کمیسیون تحقیق تشکیل شود البته آن کمیسیون هم از خود آقایان تشکیل خواهد شد دو سه روز هم بیشتر تفاوت معامله نخواهد بود اکثریت هم همیشه مطاع است ما هم اصرار نداریم که عقیده اکثریت را برگردانیم ولی آقایان بروند در آن کمیسیون و بدوسیه مراجعه فرمایند و ببینند این اسهاری که هست مهر نظار است که میگویند ما این انتخابات را صحیح نمیدانستیم به این واسطه استعنا کرده‌ایم یا اینکه ما این انتخابات را صحیح نمی‌دانستیم ولی مجبور بودیم اینها را ببینند و بعد در مجلس مطرح شود و شاید ما را هم قانع کنند. و بالاخره به اصل باری به هر جهت معتقد نشوند و حفظ حیثیات مجلس را که دو سال می‌خواهیم در آن با هم کار و زندگی کنیم بنمایند و در این قبیل قضایا یک قدری با معترضین موافقت فرمایند و البته اعضاء آن کمیسیون هم از خود آقایان انتخاب خواهند شد و این اوراق شکایاتی که از طرف اهالی یک قسمت از مملکت با یک امیدواری هائی نوشته شده است لاقلاً خوانده شود آنوقت اگر نتوانستید اعتبارنامه آقای فرهنگ را تصدیق کنید لاقلاً شکایات را خوانده باشید که شاید در میان این هزارها شکایت یک اصل صحیحی اتخاذ شود که برای ملت هم یک ایروب امیدواری باز باشد. تمام به پللیک نمیشود به اعتبارنامه‌ها رأی داد.

شیروانی منجرب -- مناسفانه آقای ملک با اینکه خردشان عضو شعبه بودند تقریباً از شش هفت جلسه که این دوسیه بخصرص در شعبه مطرح بود ایشان یک جلسه اولش را بیشتر تشریف نداشتند و از کمیسیونی هم که علاوه بر جلسات شعبه تشکیل شد شاید اطلاعی پیدا کرده باشند و تمام این فرمایشاتی را که فرمودید شعبه به آنها عمل کرده است. این جا دو موضوع است یکی مسأله شکایاتست که تقریباً یک عده اوراق به یک خط و شاید هشتاد یا صد ورقه است که بدو خط یا سه خط است و مهرهایش هم شبیه به یکدیگر و با یک مرکب و مطالب آنها هم روی یک اصل کلی است که انتخابات اینجا سبزی بر تهدید و تطمیع است و دیگر نه مینویسد که تهدید کننده و تطمیع کننده کیست و نه اسمی هم از تطمیع است و نویسنده هم معلوم نیست که کیست و صاحب اسهار معلوم نیست و بالاخره شعبه نتوانسته است این موضوع را تشخیص و ترتیب اثری به آن بدهد و این شکایات یک نواخت را مؤثر قرار بدهد و از آنطرف به تساوی همین شکایات تلگرافات و اوراق

رضایت آمیزی هست که نه به این طرف قضیه اهمیت دادیم و نه به آن طرف قضیه -- و اما در موضوع انجمن مطابق قانونی که ما دوره گذشته گذرانده‌ایم و هنوز سرکبش خشک نشده اعضائی که استعفا میدهند باید علت استعفا خود را بگویند و بعد استعفا بدهند باینج نفر از اعضاء علی‌البدل علت استعفا خودشان را گفته‌اند و رفته‌اند و انتخابات را خواسته‌اند به حال وقفه بپردازند قاضی رضوی یکی دیگر و تقریباً چهار نفر رضوی اینها تشریف برده‌اند و در مقابل آمده‌اند به حکم قانون و به حکم قرعه پنج نفر را به جای آقایان معین کرده‌اند و انتخابات خاتمه پیدا کرده است هشت نفر از آقایان هم صورت مجلس و هم اعتبارنامه و هم یک ورقه را که آقای ضیاء الملک ارائه دادند که شبیه و به یک خط است اعضاء کرده‌اند و بین این هشت نفر یک نفر یک نوشته به اینطرف داده سبتنی بر صحت و یک ورقه هم به آن طرف داده سبتنی بر عدم صحت که یک همچو آدمی را نه ما میتوانیم اهمیت به این تصدیقش بدهیم و نه اینکه میتوانیم بگوئیم آدم صالحی است و یکی هم جداً به مخالفت ایستاده که حاج احمد اصفهانی است. یکی دیگر با دو خط و دوسهبر آمده است تصدیق و عدم تصدیق را اعضاء کرده است و در صورت مجلس و در اعتبارنامه تصدیق صحت جریان انتخابات را کرده و بعد با یک مهر و یک خط دیگر عدم صحتش را تصدیق میکند و به اضافه بعد از خاتمه انتخابات و مدت اصل اعتراضات اینها را داده‌اند در صورتی که قانون مخصوصاً برای جلوگیری از این قبیل عملیات پیش‌بینی هائی کرده است و مینویسد : روزیکه خاتمه اعتراضات میشود انجمن منحل میشود یعنی دیگر انجمنی وجود ندارد که بگوید انتخابات صحیح یا سقیم بوده است و بعد از آن افراد و اعضاء انجمن هم در جزو سایر افراد ملت هستند که سمن است شکایت خودشان را به مجلس بدهند و اینها حق ندارند به عنوان عضویت انجمن نظار صحت یا عدم صحت انتخابات را تصدیق کنند و اینها هم در جزو سایر اشخاص میباشند ولی شکایاتی از طرف آنها به شعبه نرسید و شعبه هم به این شکایت یک نواخت و یک شکل که سبتنی بر دو دسته‌گی هائی که در محل هست و خود آقای مدرس هم تصدیق کردند اهمیت و ترتیب اثری نداد بنابراین هیچ جائز نمیدانم که این مسأله برود به کمیسیون و اگر ایشان غیبت میفرمودند و حضور داشتند میدیدند که ما تقریباً دو روز وقت صرف تطبیق اسهار کردیم و بالاخره این نتیجه است که از تطبیق اسهار بدست آمده است و بنده عرض کردم در این صورت به عقیده بنده گمان میکنم هیچ لزومی نداشته باشد که به کمیسیون تحقیق برود.

بهار -- بنده توضیحی دارم.

رئیس -- بفرمائید.

ملک -- توضیحاً عرض میکنم که مطالعات بنده در دوسیه صحیح بوده و اسهار و نوشتجاتی که فرمودند دو خط و سه خط است بنده تکذیب میکنم و تصدیق هم بفرمائید. که غرضی ندارم ولی چون این اظهار را فرمودید عرض میکنم که دوسیه هم حاضر است و اسهار هم صحیح است و همان اشخاصی که این اسهار را داده‌اند

همان هائی هستند که اعتبارنامه را اعضاء کرده‌اند و اگر آنها اشخاص نادرستی هستند پس اعتبارنامه اساساً صحیح نیست و اگر صحیح است که آن اشخاص میگویند ما مجبور بوده‌ایم و دوسیه هم حاضر است میل دارید ممکن است مراجعه بفرمائید و اینکه میفرمایند یک خط است عرض میکنم اصلاً بقدری زیاد است که شما نمیتوانید آنها را با هم تطبیق کنید و حالا اگر میل دارید ببینید و بدانید رأی بدهید برود به کمیسیون تحقیق.

رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای بهار آقایان موافقتین قیام فرمایند.

(معدودی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب نشد. رأی میگیریم به نمایندگی آقای فرهنگ آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس -- تصویب شد. راپورت شعبه اول راجع به نمایندگی آقای آشتیانی مطرح است. آقای آقا سید یعقوب مخالف بودند بفرمائید آقا سید یعقوب -- بنده اولاً از نماینده‌های محترم طهران معذرت میخواهم چون در شعبه رأی داده‌ام به خود آنها و مخصوصاً نسبت به آقای آشتیانی که در مقام مخالفت برآمده‌ام ولیکن چون مجلس شورای ملی در این قضیه باید قضاوت و حکمیت کنند که انشاءالله در دوره‌های دیگر انتخابات این عملیات در طهران واقع نشود که باعث خرابی انتخابات سایر نقاط شود زیرا در هر قانونی که در طهران به مجرد یک سر سوزن تخلف واقع شد در اقصی نقاط مملکت به کلی آن قانون از بین میرود و پایمال میشود چرا به علت اینکه مرکز مرکزی است که دانایان و علماء زیاد هستند. اینکه دویست هزار نفر جمعیت دارد و به آنها دوازده وکیل داده‌اند برای این است که میگویند دانایان در این جا زیادند و اشخاصیکه حافظ حقوق باشند در این جا بیشترند از این جهت به اینها بیشتر وکیل داده‌اند و بیشتر منافع مملکت و بلکه تماماً باید برگردد به طهران چرا به علت اینکه اینها تماماً عالمند و حفظ قانون را میکنند -- بنده اینجا حالا برای آقایان میخوانم اینها روزنامه‌جاتی است که به عرض مجلس میرسانم. در طهران هنوز کسی پیدا نشده است که ایمان به قانون داشته باشد و قانون اساسی را سرمشق سیاست و عملیات خودش قرار بدهد -- روز آخر مجلس بنده و یک نفر از همکاران فریاد زدیم وزراء دستور شما قانون اساسی است. رفیق محترم من آقای شیروانی به من اعتراض کردند و حمله کردند که شما آمده‌اید از دولت استیضاح کنید گفتم موقع نداریم والا استیضاح هم میکنیم ما نماینده‌های ملتیم میخواهیم رئیس الوزرائی که چهار ماه در غیبت مجلس حکومت کرده است تحت سؤال و استیضاح من بیاید ولی حیف که تشریف ندارند و چون تشریف ندارند به عرض نمایندگان محترم میرسانم -- اینکه آقای بهار حمله میکنند که انتخابات همدان کجا کجا خراب است بنده به عرض ایشان میرسانم ملاحظه بفرمائید با اینکه اشخاصی که در طهران منتخب شده‌اند و من بهشان رأی داده‌ام و با اینکه اینها را صالح و وکیل میدانم که از جمله حضرت آقای مدرس و آقای نویهار

هست و اینها اعضاء انجمن نظارت اولی هستند تا اینکه آقای بهار که کاملاً حافظیت دارند که قانون اجرا شود اول از طهران شروع کنیم بنده نکر و مطیع شما. اول انتخابات طهران را میگویم (چون هیئت دولت حسب الامر اعلیحضرت تصمیم گرفتند که انتخابات به کلی آزاد و از هرگونه مداخله شخصی آزاد باشد و باید هیئت نظار از بین اشخاص صحیح العمل و صالح انتخاب شود) هیئت وزراء در جلسه روز قبل مذاکره و به اکثریت آراء اشخاص ذیل را که عده آنها ۳۶ نفر میشوند معین کردند. آقایان میرزا حسن خان پیرنیا میرزا حسن خان مستوفی، میرزا حسین خان پیرنیا، سمیعی، تدین، میرزا احمدخان اسور، میرزا علی قمی، آقای فلان نیرالسلطان، این چیزی است که در هیئت وزراء کاندید کرده اند و به توسط حکومت هم داده اند اینهم که اشکالی ندارد حکومت نظامی هم که نبوده است.

مدرس - هیئت وزراء حق ندارند.

آقا سید یعقوب - همین ها دوسریه آمده اند و باز معین کرده اند چطور یک جا حق ندارند یکجا حق دارند الان حضور مبارک عرض میکنم (انتخاب انجمن نظار) بطوریکه قبلاً نوشته شده بود عصر روز گذشته سی و شش نفر آقایان مدعوین که اسامی آنها را سابقاً اطلاع داده بودیم حضور بهم رسانیدند حکومت طهران شرح مبسوطی اظهار و شروع به انتخاب هیئت نظار شد و پس از دادن رأی و استخراج آراء آقایان ذیل به تصویب انجمن نظار مرکزی انتخاب شدند به پینید در تمام این دوسیه ها در تمام این محلهای شکایت از یک نفر صدا بلند شده که حکومت نظامی است همه مان طهران بودیم مرحوم هم نشده بودیم یک نفر گنت حکومت نظامی است این آقایان هم معین شدند حسن خان پیرنیا و تدین و آهی و شیخ محمد علی طهرانی در اینجا هم که هیچ اعتراضی از احدی نشد که ای آقا نظامی در مملکت راه می رود و در خیابان راه می رود.

مدرس - چرا من گفتم.

آقا سید یعقوب - خوب اگر شما توی خانه فرمودید اینجا نیست. مینویسد «قبل از ظهر روز گذشته انجمن نظار در تحت ریاست آقای تدین تشکیل گردید» اینجا هم ملاحظه فرمودید که آقای میرزا حسن خان پیرنیا ابرازی نکرده بودند حاضر هم شده بودند و انجمن نظار هم تشکیل شده بود رئیس انجمن نظار هم آقای تدین معین شده بود و نایب رئیس هم امین الضرب معین شده بود و منشیها هم معین شده بودند در تحت ریاست آقای تدین تشکیل و سراسله آقای میرزا حسن خان پیرنیا رسید که از عضویت استعفا داده بودند بعد قرعه کشیدند و یک نفر عضو علی البدل بجای ایشان آوردند بعد هم آمدند انجمن نظار همه جا را معین کردند بازار آقای حاج محمد تقی سنگلیج حاج میرزا هادی چالمیدان میرزا محمد دشتی دولت و حسن آباد اویسی عودلاجان میرزا سید احمد» این هم انجمنهای فرعی که از انجمن مرکزی معین شد اینجا هم ببینید آقایان تمام در طهران بودند هیچ کس نگفت که حکومت نظامی است اعلان انتخاب داده شد حالا حضور آقای مدرس عرض میکنم بنده هم دعوت شدم در انجمن نظارت دولت نایب رئیس هم شدم

برای حق خودم هم شده است مجبورم دفاع کنم بچه دلیل بنده را منحل کردند.

مدرس - حکومت نظامی

آقا سید یعقوب - بعد اجازه بخواهید حرف بزنید اینجا معین میکنند انجمن دولت و حسن آباد آقای اویسی رئیس و آقای آقا سید یعقوب نایب رئیس و همین طور سایر اعضاء را معین کردند بنده اگر توانستم از حقوق شخصی خودم دفاع کنم میتوانم از حقوق موکلین خودم در اقصی نقاط فارس دفاع کنم ولی وقتی که اینجا نتوانم دفاع کنم یک انجمن نظارتی که از گلولی هیچ کس صدا بلند نشد که حکومت نظامی است. اراده سنیه پادشاه بر آزادی انتخابات وزیر داخله هم نوشت و هست اعلان هم چسبانیده شد تمام اینها شد آنوقت بیائید آقایان مشروطه طلبها بیست سال مشروطه طلب های مملکت آقایان که بیست سال است مملکت این همه خرج کرده است و قانون اساسی را در این مملکت آورده است و قانون مملکتی را گسترده است و دستور عملیات و اجرائیات دولت قرارداد است وقتی که اینجا خدا حافظی میکردیم گفتیم آقایان وزراء قوانین مملکتی و قوانین اساسی یک چیزهای مقدسی است خوب است ایمان به قانون داشته باشید قانون را اجرا کنید امروز امر شما، فرمانده و فرمانفرمای شما قانون است مطیع قانون باشید اگر بخواهید حقوق ملت ایران محفوظ بماند قانون باید حکومت کند نه ارادات شخصی نه کودتاها را افرادی و فکری و قلمی. باید قانون حکومت کند.

تحقیق کنید ببینید از زمین آسمان اجزائی صدائی در آمد؟ اعلامیه رئیس الوزراء به چشم روشنی تمام شماها «برای آزادی انتخابات حکومت نظامی که چندی است بر حسب صلاحیت در طهران برقرار بوده علی الاصول به کلی ملغی شده و در موقعی که اعلان انتخابات به عمل آمده از رعایت این نکته غفلت شده (کسی که غفلت از این بکند چطور از سیاست مملکت غفلت نکند؟) و تصور رفته بود که الغاء آن قسمت از مقررات حکومت نظامی که با انتخاب ارتباط و تماس دارد کافی است و به این ملاحظه تشکیل انجمن نظارت در تحت نظر واقع شده است علی هذا حسب الامر اعلی و برای اجرای کامل نظریات ملوکانه از امروز تا مدتی که انتخابات با به اتمام نرسیده حکومت نظامی به کلی ملغی و جناب مستطاب میرزا حسین خان سمیعی حکومت تهران شده» بنده در اینجا از مجلس قضاوت میخواهم. اولاً قانون اساسی پادشاه را مقدس دانسته است و یک رئیس الوزراء یا یک وزیری مقام مقدس پادشاه را در این مقام نمیآورد و پادشاه مقدس است و هیچ در این امور دخالت نمیکند و حافظ و ناظر اجرای قوانین است. اینکه مینویسد حسب الامر الاعلی برخلاف ماده صریح قانون اساسی است که مینویسد هیچ وزیری نمیتواند سلب مسؤولیت خودش را به اعتبار حکم شفاهی پادشاه یا مقام مقدس بکند این یک مسأله ثانیاً آقای فروغی که پست وزارت نداشتند وزیر داخله وقت دادگر بوده است ایداً این را اعضاء نکرده است و بنده هم میدانم نه در هیئت وزراء که مسؤول بوده اند که چهار نفر وزیر آن الان تشریف دارند تصمیمی گرفته شده است نه وزارت داخله که مسؤول انجام انتخابات است امضا کرده است حالا میگویند کودتا کدام است یک دفعه آن

انجمن نظار اولی کرد تا شد مسلم است آن انجمن نظار اولی که با این دستخط کودتا میشود طرفدار آن و آن احزاب سیاسی که در آنجا هستند مقهور میشوند احزاب سیاسی آقای مدرس با کاندیدشان دارد در میدان محاربه میشوند بنده که یکی از اعضاء حزب تجدد هستم رقوم اطلاع دادم حزب تجدد تشکیل یافت بنده عرض کردم ما باید بطور سنی پرتست کنیم و تأکید کنیم که این خلاف قانون است و آن انجمنی که مطابق قانون تشکیل یافته است هیچ از بین نمیرود و ما نمیتوانیم راضی شویم که یک انجمن قانونی را که بدون ایراد و اشکال تشکیل شده است بردارید منحل کنید. اصل مشروطیت انتخابات است ابتدای انتخابات از انجمن میشود انجمن نظارت مرکزی ریشه و تخم آزادی مملکت است وقتی که یک رئیس دولتی یک رئیس الوزرائی میآید توپ ببندد به ریشه انتخابات و انجمن مرکزی را منحل کند آنوقت که انجمن مرکزی منحل واقع شد، چگونه ما میتوانیم اطمینان داشته باشیم و معتقد باشیم که انتخابات ثانی جریانش طبیعی خواهد بود و افراد آزاد خواهند بود. تهدید و تطمیع کدام است؟ کدام تهدید از این بالاتر که انجمن نظارت مرکزی را از بین ببرند و به کلی نابودش میکنند؟ کودتا میکنند. در همین طهران عو میکنند آنوقت میگویند تهدید نبود! تهدید کدام است؟! بلی یک تهدید هم این بوده که به کلی حلق روزنامه جات را فشرده که حرف نزنید حالا هم ممکن نیست بنویسند برای اینکه سانسور میشود میگویند هنوز ملت آزاد نشده است. اگر ملت آزاد نشده است پس بنده چرا اینجا حرف میزنم؟ انجمن اول منحل میشود و از بین میرود بعد انجمن مرکزی تشکیل میشود شعب انجمن مرکزی هم معین میشود حالا سریع مبارزه دسته دوم است که دیگران آمده اند و ما هم فریاد میزنیم و داد میزنیم و میگوئیم ما قریب العهدیم نسبت به مشروطیت چه چیز شده است که حق را پایمال کردی رئیس الوزراء؟ کجائی؟ چه میگوئی؟ مطابق این قوانینی که خونبهای این همه ایرانی است؟ کجا تشریف میبری انجمن نظار را منحل کردند و هیئت وزراء هم همراهشان نبودند. یک نفر از آنها هم که ایمان به قانون دارند حرف نزدند آمدند و نشستند و انجمن نظار مرکزی را دوباره تشکیل دادند خوب ما چکار کنیم؟ زورمان که نمیرسد کتک را میخوریم که یک بدبختی بلکه بتواند این مسائل را به عرض مجلس برساند که دیگر نظیر این عملیات در مملکت و تاریخ مملکت پیدا نشود که باعث خرابی رعایای ایران بشود آخر شما تمام حوزه های ایران را ببینید یک جائی هست که هفت هزار تومان خرجش شده باشد ولی انتخابات و کلای طهران چهارده هزار تومان بر بودجه این ملت تحمیل کرد که نمایندگان انجمن اتومبیل میخواهند! نمایانم چطور پیشنهاد نکردند که پارک و سالن هم از ما میخواهند! انجمن تشکیل یافت بنده قبول دارم مسؤولیت صحت جریان انتخابات با انجمن است. حالا بنده در آن وارد میشوم (خیلی آقای فاطمی ملاحظه کردند ولی خدا میداند بنده عقیده ام این است که در حفظ قانون هیچ ملاحظه نباید بشود اگر ما ملاحظه کاری بکنیم در حفظ قانون مملکت ما قانونی نخواهد شد) ما افتادیم در تلاش که شاید

هم هستند این است عمایاتی که انجمن نظار طهران در طهران کرده است!! در صورتیکه چهارده هزار تومان مخارج انجمن نظارت طهران شده است. حدود انجمن نظارت انتخابات طهران معین است یک حدش دروازه حضرت عبدالعظیم (غار و فشافویه علیحده است) یک حدش کوه البرز یک حدش لوسان و یکی هم کن و سولقان است این حوزه ها را به پینید چند فرسخ میشود و برای این چند فرسخ چهارده هزار تومان بر بودجه ملت تحویل شده و بعد از این همه تحمیلات حالا عرض میکنم این فرمان انتخابات اولی است که آقای فروغی رئیس الوزراء از مقام منبع سلطنت در آزادی انتخابات که انتخابات به کلی آزاد است صادر نموده اند بعد از فرمان الغاء حکومت نظامی و بعد از تشکیل مجلس مؤسسان که در تمام نقاط حکومت نظامی ملغی است و در تعقیب آن فرمانی است که پادشاه ما مطابق قسمی که به حفظ قانون اساسی خورده است برای حفظ آزادی انتخابات صادر فرموده است. این جا من مدرک در یم است قضاوت کنید. اینها برای بعد است و الان خاکی که باید ریخته شود ریخته شده است رئیس الوزراء حکم میکنند به وزارت داخله حسب التکلیف بر طبق اراده سنیه ملوکانه متذکر میسازد که لازم است هر چه زودتر موجبات سرعت و حسن جریان انتخابات دوره ششم تقنینیه را به عمل آورند و ایام فترت بین مجلس و پنجم و ششم باید حتی الامکان کوتاه باشد. در صدور دستخط جهان مطاع مبارک مورخه ۱۷ بهمن ماه (ملاحظه میفرمائید) مینویسد: که اراده سنیه اعلیحضرت بر این است که انتخابات کاملاً مطابق قانون و اصول صحیحه انجام بگیرد. این اراده اعلیحضرت بود این هم ابلاغیه و دستخطی است که از طرف رئیس الوزراء وزیر داخله (که الحمد لله آقای دادگر که آنوقت وزیر داخله بودند تشریف دارند) صادر می کند و مینویسد: قرائت کنندگان اواسر شاهانه و مطالعه کنندگان تعلیمات دقیقه حضرت اشرف آقای رئیس الوزراء از نیات دولت و تصمیماتی که در اطراف انتخابات شده است آگاهی خواهند یافت. وزارت داخله عهده دار است که تعلیمات و ترتیبات قانونی رئیس دولت را مطابق النعل بالنعل به موقع اجرا بگذارد و تخلف از آن مطابق ماده ۴۴ قانون انتخابات و ماده ۹۲ قانون مجازات عمومی و سایر مقررات راجع به مسؤولیت مستخدمین را تعقیب کند این همان مطاع مبارک. این ابلاغیه آقای رئیس الوزراء اینهم حکم وزارت داخله از طرف وزارت داخله این ابلاغ در طهران شد و توسط تلگراف فرمان مبارک را هم در تمام ایالات و ولایات و حوزه های انتخابیه اعلان کردند و چسباندند و تمام افراد مملکتی از صدر تا ذیل از باب تا سحراب دانستند که انتخابات آزاد است و تمام دانستند که نیات ملوکانه بر آزادی انتخابات است در هر جا هم که ادنی تصویری میشد که حکومت نظامی باشد ملغی کردند و به کلی از بین بردند بلی چیزی که از حکومت نظامی باقی است این است که حلق مطبوعات را گرفته اند و نمیگذارند حرف بزنند و میفشارند. صدور فرمان هم در ۲۹ بهمن است بعد از این جلسه هیئت وزراء که تشکیل شده است در جلسه هیئت وزراء اعضاء انجمن نظار را که معین کرده اند این است که در این ورقه

از افراد خودمان انتخاب کنیم انتخابات که آزاد است سیاست که آزاد است یک دفعه دیدیم از انجمن ابلاغیه در آمد که گرفتن تعرفه سوقف. خوب چه شد؟ آنوقت که همه حاضر بودند...
بهار -- دسیسه شد.

آفاسیدیعقوب -- دسیسه برای بنده شد؟ یکدفعه اعلان شد که نباید رأی گرفته شود در جلسه فلان انجمن نظار سر کزی تصمیم گرفته است که تا چندم اردی بهشت تعرفه گرفته نشود خوب. حکایت آنست که گفتی خدا کند این اره که گم کرده ام گیرم لا نیفتاده باشد والا. وقتی که کار دست قانون دان افتاد یک طوری جلوه سیدهد. حالا انجمن تصمیم گرفته است که باید رأی گرفته نشود. یک جماعتی که قوای خودشان را به هزار بدبختی حاضر کرده بودند برای اینکه مبارزه کنند و در میدان سیاست بردند و اساس آزادی که قانون به آنها داده است استفاده کنند به کلی سدا شد تا یک مدتی گذشت بعد گفتند باید بیایند و سجل احوال درست کنند، در طهران پنج شعبه است ده شعبه اش کنیم و یک دوسیه قطوری که اینقدر است به چشم مبارک همه تان. دوسیه مبارک طهران اینقدر است. هی شعبه تشکیل دادیم اینطرف زدیم آنطرف زدیم تا یک موقعی که شد سه صندوق، صندوق اول صندوق وسط و صندوق آخر صندوق اول باطل صندوق وسط نصف باطل و صندوق آخر صحیح اینهم یکی از چیزهایی است که در این دوسیه هست. بروید سلاحه کنید که هیچ میشود سابقه از برای اینها قائل شد. بنده رأی میدهم و عرض میکنم نماینده های طهران هیچ تردیدی در شان نیست تمام آنها را بنده به شان معتقدم. به آقای مدرس. آقای آشتیانی. آقای ملک. آقای پیرنیا معتقدم اما بنده عملیات آقایان نظار را عرض میکنم به شما کاری ندارم آقایان خدای نخواست به نظر تان غبار کلالی نیاید. بنده نظری به شما ندارم. میخواهم عملیات این انجمن نظار را به معرض قضاوت و حکومت شما بیاورم. سه صندوق داده شد. اول. وسط. سوم. یک بدبختی که میخواست رأی بگیرد نمیدانست کجا برود هادی برایش معین میشد که تو سابقاً رأی داده یا نداده تا اینکه آمدیم در تمدید طهرانی که دو بیست هزار جمعیت دارد و قتیکه تقاضای تمدید مدت میشود برای اینکه رمضان بود. بهار بود. گرفتاری بود. سه روز بیشتر به طهران تمدید ندادند و در کن و سولقان نه روز تمدید میدهند. خدا پدر کن و سولقانیها را بیاسزد که آنها آراء طهران را تصحیح کردند و اگر آن آراء به اسم شیخ العراقین و احتشام زاده نبود دیگر وای به حساب ما برای اینکه اینجا باید دست به گریبان خارجه بزیم حالا مدت تمدید و انتخابات تمام شد و معلوم شد که نمایندگان کی ها هستند. انجمن میگوید سن رأی نمیدهم. خوب آقای انجمن. آقای پنج ماه انجمن از ماه شعبان. رمضان. شوال. ذی قعدة. ذی حجه چرا رأی نمیدهی؟ نمیدهم تو مسؤول صحت و بطلان انتخابات هستی. چرا رأی نمیدهی؟ نمیدهم. وزیر داخله تعقیب میکند چرا رأی نمیدهی؟ نمیدهم. بله اینجا وزیر داخله هم مسؤول است. چرا؟ برای اینکه باید به این آقایان بگویند بروید مشرف و عضو علی البدل را بیاورد و این کار را تمام کند. اینقدر دل ندارند. اینقدر شجاعت ندارند. اینقدر جرأت

ندارند که بگویند پاشوید بروید نه نفر عضو علی البدل میآیند کارتان را تمام میکنند. آخر چه از جان ملت میخواهید؟ اینقدر شجاعت ندارید که حکومت کنید قضاوت کنید که این انتخابات صحیح است یا نه. آقایان خنده نکنید گریه کنید در مرکز یک مملکتی قانون را وزراء زیر لگد می اندازند. نمایندگان هیئت وزراء قانون را زیر لگد می اندازند. آن کسانی که در این بهارستان تفنگ بدوش انداخته اند گریه میکنند. روح آزادی گریه میکند. ما باید گریه کنیم و گریه هم دارد. در یک مملکتی بعد از بیست و پنجسال مشروطیت آنوقت میگویند رأی نمیدهم. این ماده نوزده قانون انتخابات است. آنوقت میگویند ما رأی نمیدهم. فلانکس اقلیت دارد. بنده اقلیت دارم. آقا فلانقدر رأی دارد. آقا دو رأی دارد. آقا پانزده رأی دارد. آقا فلانقدر رأی دارد این است حکومت انجمن نظار مرکزی!!! آقای وزیر داخله عوض این ماهی هفتصد تومان پولی که میگیری و این بودجه گزافی که تو میگیری کارت همین جریان انتخاباتست مطابق قانون انتخابات را به جریان بیندازی. به این آقایان بگو خیلی خوب تشریف ببری و نه نفر دیگر که بعد از شما است کار شما را تمام میکنند. چرا اینطوری میکنند؟ برای اینکه ما هنوز نزده ایم باشت توی ذهن ارتجاع. چون آزادی یک نفرش بمیرد صد نفر زنده میشود. محافظه کار را پامال میکنند. اینطور نیست که شما میکنید. خوب حالا ما دیدیم نکردند چکار کنیم؟ از یک طرف هم علاقه داریم آمدیم شعبه رأی داد که این منتخبین مردمان خوبی هستند خدا میداند که این دوسیه ابداً صحت قانونی ندارد لیکن این آقایان که انتخاب شده اند اشخاص خوبی هستند و بنده به آقای مدرس. آشتیانی بهبهانی و اینها رأی میدهم نه به این دوسیه به این خرابی. حالا در پایان عرایض خودم از مجلس مقدس استدعا میکنم که در تحت نظر بگیرند و یک موادی بر این قانون انتخابات الحاق کنند که بعد از این گریبان سلکت را از دست محافظه کاران نجات دهند. این بود عرایض بنده و در خاتمه از آقایان آشتیانی و آقای مدرس معذرت میخواهم و چون میدانم این آقایان در مسلک بنده هستند و عقیده بقانون دارند که قانون در مملکت تعمیم پیدا کند و اجرا بشود حالا دیگر بعرایض خود خاتمه میدهم.

رئیس -- آقای داور. (اجازه)

داور -- بنده گمان میکنم آقای آفاسید یعقوب در بیاناتی که فرمودند خودشان توضیح دادند که هیچ مقصودی راجع بنمایند محترمی که اعتبارنامه اش مطرح بود نداشتند و راجع بان قسمت که فرمودند البته یا باید انجمن اغماض بخرج داده و هیچ نکته باشد و یا اینکه کاملاً تصدیق کرده باشد و بنده هم عرض میکنم که آقای آقا سید یعقوب حق داشتند ولی اینکه فرمودند هیئت وزراء نشسته اند و اشخاص را برای عضویت انجمن نظارت دعوت کرده اند و یک چیزی را در روزنامه خواندند همینقدر خاطر آقایان را توجه میدهم که بنده در خاطر ندارم همچو چیزی در هیئت وزرا سابق طرح شده باشد. بنده که سراغ ندارم. ممکن است که حاکم در اطاق هیئت وزرا، نشسته است و خواسته بوده است که یک عده

منتخب شده اند و شعبه صحت نمایندگی ایشانرا تصدیق مینماید. رئیس -- رأی میگیریم بنمایندگی آقای فیروزآبادی از طهران آقایانیکه تصویب می نمایند قیام فرمایند.
(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد ..

شیروانی -- بنده پیشنهاد ختم جلسه میکنم .

بیات -- بنده مخالفم .

رئیس -- بفرمائید.

بیات -- بنده عقیده دارم که این راپرتها تمام شود بعد جلسه را ختم کنیم.

رئیس -- سسترد میکنید؟

شیروانی -- بلی .

رئیس -- خبر شعبه اول راجع بنمایندگی آقای میرزا نصرت الله بیات از طهران .

(آقای فاطمی بترتیب ذیل قرائت نمودند)

جریان انتخابات از قرار است که بعرض رسیده در نتیجه آقای میرزا نصرت الله بیات با اکثریت (۴۰۰) حائز اکثریت شده اند و شعبه صحت نمایندگی ایشانرا تصدیق مینماید .

رئیس -- رأی میگیریم بنمایندگی آقای میرزا نصرت الله بیات از طهران آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد . خبر دیگریست راجع بنمایندگی آقای پیرنیا از طهران.

(آقای مخبر بشرح ذیل قرائت نمودند)

جریان انتخابات طهران بعرض مجلس رسیده در نتیجه آقای میرزا حسینخان پیرنیا با اکثریت (۴۰۰) رأی بنمایندگی طهران منتخب و شعبه صحت نمایندگی ایشانرا تصدیق مینماید .

رئیس -- رأی میگیریم بنمایندگی آقای پیرنیا از طهران آقایانیکه موافقند قیام فرمایند .

(اکثر نمایندگان برخاستند)

رئیس -- تصویب شد . چون چیزی در دستور نیست جلسه را ختم میکنیم . جلسه آتیه روز پنجشنبه (پس فردا) چهار قبل از ظهر . دستور: بنیه انتخاب هیئت رئیسه.

(مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی -- سید محمد تدین

منشی سید ابراهیم ضیاء ، منشی نویخت

را دعوت کند ضمناً با رئیس الوزراء ، هم مشورت کند در هر حال این یک چیز عمده نبوده است ولی راجع به تسمتی که فرمودند ، همینقدر بطور اجمال چون وقت گذشته است آقای اگر قدری توجه کنند تصدیق میکنند این مسئله را که آقای آفاسید یعقوب فرمودند که در آتیه راجع بانجمن یک ترتیبی بشود که به بدترین شکلی تشکیل نشود

بهار -- اخطار نظامنامه دارم . دو مخالف پشت سرهم نمیتوانند صحبت کنند .

داور -- البته آقای بهار با سابقه که دارند تصدیق میفرمایند که ممکن است یک کسی که مخالف با ناطق قبل است در یک قسمتهائی هم تصدیق کند نظریه آن شخص را و این مسئله هم یک چیزی نبود که بشود اخطار کرد این است که بنده هم عرض میکنم که باید در قانون انتخابات یک تجدید نظری بشود که انجمنهای نظار نتوانند یک کارهایی برخلاف ترتیب بکنند و بالاخره طوری نشود که انجمنهای نظار ولایات سر مشق بگیرند از انجمن نظار مرکزی -- (بعضی از نمایندگان -- صحیح است) -- و در این قسمت هم چون آقا موافق بودند و مخالفتی بانمایند محترم نشد تصور میکنم که بیش از این مذاکره لازم نیست و آقایانی هم که اجازه گرفته اند خوب است اجازه شانرا بگذارند و رأی بدهند.

رئیس -- رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای آشتیانی از طهران آقایان موافقین قیام بفرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد . خبر شعبه اول راجع بنمایندگی آقای مدرس از طهران .

(آقای فاطمی راپرت فوق را بشرح ذیل قرائت نمودند)

جریان انتخابات از قرار است که بعرض رسیده در نتیجه آقای آفاسید حسن مدرس با (۱۳۱۶۴) رأی حائز اکثریت و بنمایندگی منتصب شده اند . شعبه صحت نمایندگی ایشانرا تصدیق مینماید .

رئیس -- رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای مدرس از طهران آقایانیکه موافقند قیام بفرمایند.

(غالب نمایندگان برخاستند)

رئیس -- تصویب شد . خبر دیگر شعبه اول راجع بنمایندگی آقای فیروزآبادی در طهران

(آقای فاطمی راپرت مزبور را بدین طریق خواندند)

جریان انتخابات بعرض مجلس رسیده در نتیجه آقای فیروزآبادی آفاسید محمدرضا با اکثریت (۵۷۹۴) بنمایندگی طهران